فاطمه معصومه ( سلام الله عليها ) گوهر آل محمد (ص(

شاهزاده معظمه و بانوي مكرمه، مهين دخت هفتمين خورشيد فلـك امامت، حضرت باب الحوائج موسي بن جعفر(عليه‌السلام)، به ستودگي صفات و روحانيت و عبادت و بزرگي منزلت و تقوا ممتاز بود. حـضـرت ولية الله و صفيته، خاتون خلق جهان و ناموس خداوند عالميان، عابده زاهده متقيه، عارفه كامله ستوده، مخدره معصومه، فاطمه، دخت گرامي امام موسي كاظم(عليه‌السلام) داراي مقامي عالي و منزلتي متعالي و شأني رفيع و مكاني منيع است. مزار كثيرالانوارش در مـدينـة‌المؤمنين، شهر قم است و حرمش ملجأ زائرين و تمام مسلمين و مؤمنين و محل اجابت دعوات و بروز كرامات و خوارق عــادات بـوده و ثـواب زيارتش مـانـنـد اجـر و مـزد زيارت ائـمـه هدي(عليهم‌السلام) با بهشت برين برابر است.

از حضرت جواد(عليه‌السلام) روايت است كه فرمود: كسي كه قبر عمه مرا در قم زيارت كند، بهشت براي اوست.

عده‌اي به نقل از كتاب "لواقح الانوار في طبقات الاخيار"، نقل كرده‌اند كه ولادت آن بزرگوار در شهر مدينه، در اول ذيقعده سال 183 هجري بوده است، و عده‌اي نيز ماه ذيقعده سال 173 هجري را ذكر كرده‌اند.

حركت حضرت معصومه(سلام الله عليها) به ايران

مأمون عباسي در سال 200 هجري براي استقرار حكومت خود، با پـيام‌ها و نامه‌هاي بسياري، حضرت رضا(عليه‌السلام) را به اجبار به خراسان دعوت كرد، آن جناب در همان سال به خراسان تشريف فرما شدند. علامه مجلسي(رحمةالله عليه) به نقل از تاريخ قم نقل كرده كه چـون حضرت رضا(عليه‌السلام) به دعوت مأمون به خراسان تشريف بردند، سال بعد، يعني سال 201 هجري، خواهر والا گهرش، حضرت مـعـصـومـه(سلام الله عليها) ، به عزم ديدار برادر بزرگوارش، به همراه گروهي از برادران و خدمت‌كاران، رهسپار خراسان شد، وقتي به ساوه رسيدند، حضرت معصومه(سلام الله عليها) بيمار شد و پرسيد از اين مكان تا قم چقدر راه است؟ عرض كردند: ده فرسخ. به خدمت‌كار دستور فرمود كه مرا به قم برسان و به اين ترتيب به جانب قم رهسپار گرديدند.

عبادت آن حضرت

از عالي‌ترين نمونه‌هاي عبادت و بندگي خدا، از خاندان ولايت و امــامـت(عليهم‌السلام)، كريمه اهل بيت، فاطمه معصومه(سلام الله عليها) اسـت. ايشـان چنـان به عبادت و طاعت و شب‌زنده داري اهميت مي‌دادند كه در اقامت هفده روزه‌اش، در واپسين روزهاي عمر، در قم، مكاني را براي عبادت خويش بنا مي‌كنند و آن را معبد و محراب خود قرار مي‌دهند و در آن مكاني كه بيت النور است، به راز و نيازهاي شبانه و طاعت و عبادت خدا مي‌پردازند.

سواران نقاب‌دار براي دفن حاضر مي‌شوند

صاحب تاريخ قم مي‌نويسد: »حسين بن علي بن بابويه به من نقل كرد كه محمد بن حسن بن وليد گفت: چون فاطمه(سلام الله عليها) وفات نمود، جسد پاكش را غسل داده، كفن كردند و آن بدن مطهر را به بابلان بردند و آن را نزد سردابي كه براي آن حضرت آماده كرده بودند، نهادند؛ سپس آل سعد با هم به گفتگو پرداختند كه چه كسي داخـل سرداب شود و جنازه بي بي را دفن نمايد؟ يعني چه كسي شايستگي كامل اين امر را دارد؟! پس از گفتگوي بسيار، رأي آن‌ها بر اين قرار گرفت كه خادم آن‌ها كه پيرمردي صالح و شايسته به نام قادر بود، بيايد و آن بدن پاك و مطهر را به خاك بسپارد. فرستادند كه آن مرد براي دفن بي بي حاضر شود؛ ناگاه ديدند دو سوار نقابدار، با شتاب و عجله، از طرف ريگزار پيدا شدند؛ آمدند تا نزديك جنازه آن معظمه، پياده شدند و بر بدن مطهر نماز خواندند و سپس به سردابي كه براي دفن بي بي آماده كرده بودند، داخل شدند و بدن شريفش را به خاك سپرده، خارج شدند؛ آن‌گاه سوار شدند و رفتند، تا از نظرها پنهان گرديدند و كسي آن‌ها را نشناخت.»

بـعضي از بزرگان فرموده‌اند كه آن سواران ناشناس وجود مبارك حضرت رضا(عليه‌السلام) و امام جواد(عليه‌السلام) يا فرستادگان خاص آن بزرگواران بوده‌اند كه با طي الارض هنگام دفن آن بانوي مطهره در آن مكان حاضر شده‌اند.

ظهور پيكرهاي تر و تازه، بعد از هزار و چند سال

مرحوم آيت الله حاج آقا حسين مجتهد نقل كرده‌اند كه: »در عصر ناصرالدين شاه قاجار، زمين حرم حضرت معصومه(سلام الله عليها) را با سنـگ‌هاي مرمر فرش مي‌كردند، در قسمت پايين پاي حضرت، روزنه‌اي به سرداب باز شد، ضروري بود كه بانوان پاك و شايسته‌اي به آن سرداب بروند و وضع آن‌جا را بررسي كنند؛ دو نفر از بانوان انتخاب شدند و با چراغ به سرداب رفتند، ديدند كه در پايين قبر مطهر حضرت معصومه(سلام الله عليها) ، سه پيكر مطهر، تر و تازه قرار دارد، كه گويي همان روز روح از بدنشان جدا شده! يك تن بانو، و دو تن ديگر سياه چهره و كنيز بوده‌اند.

از بررسي كتب و قرائن به دست مي‌آيد كه آن بانو، حضرت "ميمونه"، دختر امام جواد(عليه‌السلام) و آن دو كنيز "ام‌اسحاق"، كنيز محمدبن موسي مبرقع و "ام‌حبيب"، كنيز محمد بن احمد بن موسي مبرقع بوده‌اند كه پيكر مطهرشان، پس از گذشت يازده قرن، هيچ تغييري نكرده است.

فضائل حضرت فاطمه معصومه(سلام الله عليها)

شباهت حضرت فاطمه معصومه(سلام الله عليها) به حضرت زينب كبري(سلام الله عليها)

در جلالت قدر و رفعت مقام و مرتبه والاي آن بانوي آسماني همين بـس كـه مورد احترام و تقديس چند امام معصوم(عليهم‌السلام) قرار گـرفته است. پيش از آن‌كه به دنيا بيايند، از فضايل و كراماتشان سخـن‌هـا گفته‌اند و سفارش زيارت قبر شريفشان را به دوستان و محبان خود كرده‌اند.

از جمله مناقب و شرافت‌هاي آن بزرگوار، صدور زيارت نامه مخصوص بـراي آن حضرت، از حضرت علي بن موسي الرضا(عليه‌السلام) است، زيارت نامه‌اي كه جملات آن حكايت از مقام عظيم آن بانوي معظمه مي‌كند كه هيچ بشري قادر به درك آن نيست، مقامي كه حضرت امام صادق(عليه‌السلام) پيرامون آن مي‌فرمايند: »همه‌ي شيعيانم با شفاعت فاطمه معصومه(سلام الله عليها) به بهشت وارد مي‌شوند.»

مقامي كه مي‌توان آن را باب الائمه(عليهم‌السلام) و باب اللّه و باب الحوائج ناميد، و به واسطه آن بي بي دو عالم، ائمه اطهار(عليه‌السلام) فيض الهي را به خلق مي‌رسانند.

شباهت حضرت معصومه(سلام الله عليها) به حضرت زهرا(سلام الله عليها)

از امـــوري كـــه بــيــانـگــر درجــات عــالــي مـقــام حـضــرت مـعـصومه(سلام الله عليها) است، اين‌كه او در موارد مهمي، شباهت به حـضـرت زهـرا(سلام الله عليها) ، دارد. او در معيارهاي ارزشي اسلام، همچون جده‌اش حضرت زهرا(سلام الله عليها) ، يكه تاز عرصه‌ها بود و در علم و قداست و كمالات، گوي سبقت ربوده بود و فاطمه دوم بود. در زمينه اين شباهت به نكات زير اشاره مي‌كنيم.

اول: حضـرت معصـومـه(سلام الله عليها) ، مـاننـد جده‌اش، حضرت فاطمه(سلام الله عليها) از هرگونه بدي و پليدي دور بودند؛ او و شيعيانش وارد آتش دوزخ نمي‌شوند و شفيع آن‌ها در روز جزا خواهد بود.

دوم: پـيـامـبــر اكــرم(صلــي‌اللّـه‌عليه‌وآلـه( بـارهـا در شـأن حضـرت زهـرا(سلام الله عليها) ـ با آن‌كه خردسال بودـ فرموده بودند: »فداها، ابوها«: »پدرش، قربانش گردد.»

در جرياني نيز، جمعي از شيعيان براي پرسش بعضي از مسائل دينـي، بـه در خانه امام موسي كاظم(عليه‌السلام) آمدند، آن حضرت تشـريف نداشتند. لذا آن‌ها سؤالات خود را بر روي كاغذ نوشته، تحويل دادند.

سـپـس حضرت معصومه(سلام الله عليها) كه در آن وقت خردسال بود، پاسخ سؤالات آن‌ها را نوشته و به آن‌ها برگرداند. آن‌ها در مسير بازگشت با امام كاظم(عليه‌السلام) ديدار كردند، وقتي امام جواب‌ها را ملاحظه كردند، بـه نـشـان تأييد و قدرداني از حضرت معصومه(سلام الله عليها) ، فرمودند: »فداها، ابوها«: »پدرش، قربانش گردد.»

سوم: يكي از شباهت‌هاي عميق حضرت معصومه(سلام الله عليها) ، به حضرت زهرا(سلام الله عليها) اين است كه حضرت زهرا(سلام الله عليها) براي اثبات ولايت حضرت علي(عليه‌السلام) آن‌چنان حمايت و دفاعي كرد، كه در جواني به شهادت رسيد؛ حضرت معصومه(سلام الله عليها) نيز در اين راستا، براي حمايت از ولايت برادرش، حضرت رضا(عليه‌السلام)، همراه كارواني از امام‌زادگان دست به هجرت زد و از مدينه به سوي خراسان حركت كرد، سر انجام در نيمه راه، در ساوه، برادر و برادر زادگان و پسر عموهايش كه بيست و دو نفر بودند، شهيد شدند و آن بزرگوار نيز، بيمارـ و به قولي به دست دشمنان مسموم شد ـ و سپس به شهادت رسيد.

مرقد حضرت معصومه(سلام الله عليها)

تجليگاه مرقد حضرت زهرا(سلام الله عليها)

آيت الله العظمي مرعشي نجفي(رحمةالله عليه)، به طور مكرر براي شاگردان و افراد مختلف نقل كرده بودند كه: پدرم مرحوم آيت الله سيد محمود مرعشي(رحمةالله عليه)، براي آن‌كه از محل قبر شريف حضرت زهرا(سلام الله عليها) با خبر شود، چهل شب در حرم حضرت علي(عليه‌السلام) بيتوته كرد، يك شب آن حضرت در حال مكاشفهـ به پدرم فرمود: »سيد محمود! چه مي‌خواهي؟« پدرم عرض كرد: »مـحل قبر حضرت فاطمه زهرا(سلام الله عليها) كجاست، تا در كنار قبرش بروم و او را زيارت كنم؟«

حضرت فرمودند: «من كه نمي‌توانم قبر حضرت فاطمه(سلام الله عليها) را بر خلاف وصيت او معلوم كنم».

پدرم عرض كرد: «پس من هنگام زيارت او چه كنم؟»

حـضـرت فـرمـودنـد: «علـيك بكريمة اهل البيت»: «به دامن كريمه‌ي اهل بيت(عليها‌السلام( چنگ بزن!»

پدرم تصور كرد كه منظور امام از اين جمله، حضرت زهرا(سلام الله عليها) هستند؛ بعداز آن، امام(عليه‌السلام) فرمودند: «خداوند مقام شكوهمند حضرت فاطمه(سلام الله عليها) را (در اين مورد(، به حضرت معصومه(سلام الله عليها) داده است، هر كس مي‌خواهد زيارت حضرت فاطمه زهرا(سلام الله عليها) را درك كند، مرقد حضرت فاطمه معصومه(سلام الله عليها) را زيارت كند».

با توجه به اين‌كه چنين مطلبي را مرجع تقليد عظيم الشأني، به طـور مـكـرر بـيان فرموده است، شباهت عميق آن حضرت را به جده‌اش، حضرت زهرا(سلام الله عليها) نشان مي‌دهد.

حضرت معصومه(سلام الله عليها) هم شكل حضرت زهرا(سلام الله عليها)

مـرحوم آيت الله العظمي مرعشي نجفي(رحمةالله عليه) مي‌فرمود: «جوان‌تر كه بودم، روزي بر اثر مشكلات فراواني، به حرم حضرت معصومه(سلام الله عليها) رفته و به آن بانوي بزرگوار متوسل شدم، در حرم، حالت مكاشفه‌اي برايم پيش آمد، در آن حالت حضرت فاطمه معصومه(سلام الله عليها) را زيارت كردم، در شكل و شمايل مانند جده‌ام فاطمه زهرا(سلام الله عليها) بودند، زيرا قبلاً سه بار جده‌ام را در عالم رؤيا ديده‌ام و جمال ايشان را به خاطر سپرده‌ام».

حضرت زهرا(سلام الله عليها) در حرم حضرت معصومه(سلام الله عليها)

عـالم ربـانـي و عـارف صـمداني، مرحوم آيت الله "شيخ محمود عتيق"، معروف به "حاج ملا آقاجان زنجاني" (رحمةاللّه عليه)، كه اهل مـكاشفه بوده و با امام زمان(عليه‌السلام) رابطه و سر و رازي داشت، مي‌گويد: يك روز به حرم حضرت معصومه(سلام الله عليها) وارد شدم، در قسمت بالاي سر، ناگهان حجاب‌ها از مقابل چشمم برداشته شد، ديدم حضرت معصومه(سلام الله عليها) با سه نفر ديگر از خانم‌ها (كه تا آن روز نمي‌دانستم از فرزندان ديگر حضرت زهرا(سلام الله عليها)، در حـرم حـضـرت مـعـصومه(سلام الله عليها) مدفون هستند( نشسته‌اند؛ حـضرت معصومه(سلام الله عليها) به من فرمود: «روضه بخوان!» من مشغول خواندن اشعار دعبل، در مصائب آل رسول الله(صلي الله عليه وآله) شدم، ناگاه ديدم آن‌ها برخاستند، ‌گمان كردم كه آن‌چه مي‌خوانم مـورد توجه آن‌ها واقع نشده است، از اين‌رو مي‌خواهند بروند؛ اما ناگهان ديدم مثل اين‌كه خورشيدي در حرم تابيد، نوري آشكار شد و حضرت زهرا(سلام الله عليها) به جمع آن‌ها پيوست، و دانستم كه اين‌ها به احترام آن حضرت از جا برخاسته‌اند.

سپـس حضـرت زهـرا(سلام الله عليها) مقداري جلوتر نشست و فرمود: «روضه را ادامه بده». من همان اشعار را ادامه دادم، آن حضرت و ساير خانم‌ها گريه سختي كردند، تا اين‌كه به من فرمودند بس است؛ لطف سرشاري به من كردند و ناپديد شدند.

فاطمه معصومه(سلام الله عليها) شفيعه‌ي روز جزا

يكي از معتقدات شيعه، موضوع شفاعت است كه اصل آن از قرآن كريم به خوبي استفاده مي‌شود. از شخصيت‌هاي گرانقدري كه به اذن الله تعالي در قيامت شفاعت مي‌كنند، دو معظمه دوران و افتخار بانوان جهان، دو شخصيت بي‌نظير فاطمه نام، يكي حضرت صديقه طاهره، فاطمه زهرا(سلام الله عليها) و ديگري كريمه آل محمد و بضعه حـضــرت مــوســي بــن جـعـفــر(عليه‌السلام)، حـضـرت فـاطـمـه معصومه(سلام الله عليها) هستند، كه صاحب مقام شفاعتند.

از جمله رواياتي كه درباره شفاعت حضرت فاطمه زهرا(سلام الله عليها) هسـت، روايت جابر از حضرت باقر(عليه‌السلام) است، كه در يكي از فقراتش آمده است: اي جابر! والله كه فاطمه، شيعيان و محبان خود را التفاط مي‌كند، آن‌گونه كه مرغ، دانه‌هاي خوب و سالم را، از ميان دانه‌هاي بد جدا نموده و انتخاب مي‌كند.

راجع به حضرت فاطمه معصومه(سلام الله عليها) نيز، بعضي از روايات نقل شده، صريح در اين معناست. چنان‌كه امام جعفر صادق(عليه‌السلام) در روايتي فرموده‌اند: «آگاه باشيد كه براي خدا حرمي است و آن مكه است و براي رسول خدا(صلي الله عليه وآله) حرمي است و آن مدينه است و براي اميرالمؤمنين(عليه‌السلام) حرمي است و آن كوفه است. آگاه باشيد كه حرم من و حرم فرزندان من، بعد از من، قم است. آگاه باشيد كه قم، كوفه كوچك است، آگاه باشيد كه براي بهشت، هشت در است كه سه تاي آن به سوي قم مفتوح مي‌باشد». بعد فرمود: «در سرزمين قم، زني از فرزندان من كه نام او فاطمه و دختر موسي بن جعفر(عليه‌السلام) است، از دنيا خواهد رفت و شيعيان من، همگي به بركت شفاعت او داخل بهشت خواهند شد».

بنابر اين اگر در زيارت آن مكرمه مي‌خوانيم: "يا فاطمه اشفعي لي في الجنه" و در خواست شفاعت از آن خزينه رحمت الهي مي‌كنيم، درخواستي به‌جا و به مورد است، كه ايشان صاحب شفاعت در روز قيامت هستند.

توسل مراجع عظام به حضرت معصومه(سلام الله عليها)

آيت الله العظمي مرعشي نجفي(رحمةالله عليه)، حدود شصت سال، در زمستان و تابستان، قبل از اذان صبح؛ براي اقامه نماز جماعت در حرم مطهر، ‌از خانه به طرف حرم مي‌آمد، در بسياري از موارد، هنوز درهاي حرم باز نشده بود، در پشت در به انتظار مي‌نشست، تا در باز شود؛ او در وصيت نامه‌اش نوشته بود: پس از مرگ، جنازه مرا رو به مرقد مطهر بي بي، فاطمه معصومه(سلام الله عليها) قرار دهيد و به عنوان دخـيل، يك سر عمامه‌ام را به ضريح مطهر و سرديگر را به تابوت ببنديد و مصيبت وداع مولاي من، حسين مظلوم(عليه‌السلام) و اهل بيت طاهرينش را بخوانيد.

من فاطمه دختر موسي بن جعفر(عليه‌السلام) هستم

شخصـي بـه نـام اسـداللـه كـه از خدام آستانه بود، دچار بيماري "شقاقلوس" (بي حس و فاسد شدن عضوي از بدن) شد، به حدي كه انگشت‌هاي پايش سياه شد و دكترها او را جواب كردند و اتفاق نظر داشتند كه بايد پاي او بريده شود. بيمار با خود گفت: حالا كه قرار است فردا پاي من قطع شود، خوب است شب را در حرم مطهر حضرت معصومه(سلام الله عليها) به سر ببرم. اواخر شب كه خدام درب حرم را بستنـد، او خـود را به پاي ضريح انداخت و از درد و بيچارگي خود مي‌ناليد و به حضرت معصومه(سلام الله عليها) التماس مي‌كرد، به طوري كه از صداي او بعضي از خدام پشت در نتوانستند بخوابند، ناله پرسوز او تا صبح ادامه داشت، هنوز هوا تاريك بود، ديدند "ميرزا اسدالله"، آمده پشت در و فرياد مي‌زند، درب را باز كنيد، حضرت به من لطف كرد، توسط حضرت شفا يافتم؛ درب را باز كردند، ديدند ميرزا اسدالله خيلي خوشحال و شاداب است و بيماري او رفع شده است؛ او جريان را چنين شرح داد: در حرم خوابم برد، در خواب ديدم بانوي بزرگي نزد من آمد و فرمود: »چه شده است؟« عرض كردم: »بيماري، پاي مرا از كار انداخته، از خدا يا شفا مي‌خواهم و يا مرگ!« آن بانو گوشه مقنعه و روسري خود را چندين بار به روي پاي من ماليد و فرمود: »تو را شفا داديم.» گفتم: »شما كيستيد؟« فرمود: »مرا نمي‌شناسي، در حالي كه نوكري مرا مي‌كني؟ من فاطمه، دختر موسي بن جعفر(عليه‌السلام) هستم.»

رفع خطر سيل

درمـواقع بارش‌هاي شديد، در رودخانه بزرگي كه در وسط شهر قم است، سيل‌هاي خطيري به جريان مي‌افتد، نوشته‌اند كه زماني سيل بسيار عظيمي آمد، اهل قم فوق العاده ترسيده بودند و انتظار مي‌رفت كه ساختمان‌ها ويران شود.

ناگهان دستي نمايان شد و به سيل اشاره كرد. آن سيل به سوي ديگر رفته و خطر رفع شد. شيخ زكي در شرف نامه معروف خود مي‌گويد:

روزي كه سيل سيمره از رود ناربار آمد به شهر قم، زقضاياي كردگار

داني كه كرد رفع بلا را از اين ديار معصومه بود، دختر موسي تاجدار

ذريه رسول خدا(صلي الله عليه وآله) غمگسار غم

پاسخ حضرت معصومه(سلام الله عليها) به رئيس پليس رضاخان

در دوران سياه رضاخان، رئيس پليس قم، كه فردي گستاخ و خشن و قوي هيكل بود، روزي براي برداشتن حجاب از سر بانوان، وارد حريم حـضــرت مـعـصـومـه(سلام الله عليها) مـي‌شـود و در حـريم كـريمـه اهل‌بيت(عليهم‌السلام)، به زور، از سربانوي صالحه‌اي كه مشغول دعا و زيارت بـود، چـادرش را بر مي‌گيرد، ديگر بانوان حاضر در حرم، به وحشت و اضطراب مي‌افتند و ناله و فرياد سر مي‌دهند.

مرحوم آيت الله مرعشي نجفي(رحمةالله عليه) كه در حرم حضور داشته، با مشاهده اين گستاخي هولناك، در حرم آن ناموس الهي، كنترل خود را از دست مي‌دهند و سيلي محكمي از روي غيرت و حميّت، بر صورت رئيس پليس مي‌نوازند؛ رئيس پليس، ايشان را تهديد به قتل مي‌كند، غافل از اين‌كه دختر باب الحوائج هرگز چنين جسارتي را بي پاسخ نمي‌گذارند.

روز بعد، هنگامي كه رئيس پليس وارد بازار قم مي‌شود، قسمتي از سقف بازار فرو مي‌ريزد و رئيس پليس هتاك و بي‌باك، زير آوار، به هلاكت مي‌رسد.

تاريخچه كوتاهي از حرم و بارگاه حضرت معصومه(سلام الله عليها)

پس از آن‌كه پيكر پاك آن عليا مخدره را به خاك سپردند، "موسي بن خزرج"، سقفي از بوريا و حصير بر روي قبر مطهر قرار داد. پس از آن زينـب(سلام الله عليها) ، دختر امام جواد(عليه‌السلام) بر روي قبر شريف، قبه‌اي بنا نهاد، رفته رفته بنا و ساختمان اين مكان مقدس شكوه و گسترش بيشتري يافت.

آن چه از كتاب‌هاي مربوطه به دست مي‌آيد، اين است كه در ابتدا، بناي اين مكان دو قبه بوده است كه در زير آن دو قبه، شش تن از دختران‌آل رسول اللّه(صلي الله عليه وآله) مدفون هستند.

در زير قبه اول، "حضرت معصومه("سلام‌اللّه‌عليها( و "ام‌محمد"، دختر موسي مبرقع و "ام‌اسحق"، كنير محمدبن موسي مبرقع واقع است و در زير قبه دوم، قبر "ميمونه"، دختر موسي مبرقع و "ام‌حبيب"، كنيز محمدبن احمد بن موسي مبرقع و "ام‌القاسم"، دختر علي كوبكي قرار گـرفـته است. محدث قمي مي‌گويد: زينب و ام محمد و ميمونه، دخـتران امـام نـهم، حـضـرت جـواد(عليه‌السلام)، در بقعه حضرت معصومه(سلام الله عليها) مدفونند.

لازم به ذكر است كه زائران محترم حضرت معصومه(سلام الله عليها) ، وقتي كه به زيارت آن بي بي دو عالم مي‌آيند، آن‌ها را هم ياد كنند، گرچه با اين جمله كوتاه: »السلام عليكن يا بنات رسول الله، السلام عليكن و رحمةالله و بركاته.»

مرقد مطهر حضرت معصومه(سلام الله عليها) تا سال 350 هجري، به هـمــان وضـعـي كـه حـضـرت زينـب(سلام الله عليها) ، دخـتر امـام نهم(عليه‌السلام) ساخته بود، قرار داشت.

در سال 413 اين مرقد با خشت‌هاي كاشي زيبا آراسته شد و در سال 525، يكي از زنان بلند همت زمان، به نام "شاه بيگم"، دختر عماد بيگ، گنبد سابق را خراب و به جاي آن گنبد با شكوهي بنا كرد و آن دو گنبد كوچك را به يك گنبد بزرگ‌تر و بلندتر تبديل كرد، سطح بيروني گنبد را كاشي كرد و سطح دروني آن را از لاجورد و طلا، نقش و نگار نمود، اين وضعيت تا دوره خاندان صفوي بود و در آن دوران ايوان‌ها و صحن كهنه و نو به اين بنا افزوده شد. بعد از آن، در دوره قاجار، در سال 1218، فتحعلي شاه، گنبد را طلا نمود و مسجد بالا سر ساخته شد، شاه عباس، ضريح فولادي را نقره كرد و صحن جديد را، آقا ابراهيم امين السلطان و پسرش اتابك صدر اعظم بنا نهادند.

شاهكارهايي از صنايع مختلف در اين آستانه به كار رفته است كه عبـارتنـد از: طلاكـاري، نقره و ميناكاري، آينه كاري، نقوش، خطوط مختلف از نسخ و نستعليق و شكسته و كوفي و ثلث و صدها ظريف كاري در درب‌هاي گوناگون حرم مطهر.

بعـد از انقلاب اسلامي نيز اقدامات زيادي، درجهت با شكوه‌تر كردن اين بناي مقدس صورت گرفت، از جمله: بازسازي، تعمير، گسترش و افزودن صحن‌هاي جديد كه در زير به شرح يكي از اين اقدامات مي‌پردازيم:

طرح تعويض گنبد مطهر

آيت اللّـه مـسـعـودي خـمـينـي در رابـطـه بـا كـرامات حضرت معصومه(سلام الله عليها) در طرح تعويض گنبد مطهر نقل مي‌كنند كه: يك روز من رفتم بالاي پشت بام گنبد، ديدم مس‌هاي طلايي به قول خودمانـ وا داده، طبله كرده است.

آمدم به آقاي فقيه ميرزايي گفتم: «من رفتم بالاي پشت بام، وضع گنبد خيلي خراب است، بعيد نيست كه اگر زلزله كوچكي بيايد، پايين مي‌ريزد. بررسي كنيد، ببينيد مي‌شود اين‌جا را درست كرد، يا نه؟» ايشان گفت: «من قبلاً ديده‌ام؛ سه، چهار ميليارد پول مي‌خواهد».

چند روزي گذشت، خدمت آقاي بهجت رفته بودم، ايشان بدون مقدمه فرمود: «اين گنبد دارد خشت‌هايش مي‌ريزد، خراب شده، چرا درستش نمـي‌كنيد؟!» گفتم: «چشم! خدا توفيق بدهد درستش مي‌كنيم». ايشان گفت: «خراب است، بايد درستش كنيد، خداوند پولش را مي‌رساند». بعد 15 ميليون تومان دادند و فرمودند: «اين هم مقدمه كار، شما شروع كن».

مهندسان برآورد كردند كه تعمير گنبد 240 كيلو طلا مي‌خواهد، و حدود 500 ميليون تومان هم مزد كار مي‌شود.

ماـ امور مالي آستان مقدسه- 5 يا 6 سال قبل، با وزارت مسكن، در يك مشاركت، ساختماني نيمه‌ساز خريداري كرده بوديم كه آن را تكميل كنيم؛ چند روز بعد، كسي زنگ زد و گفت: آقا، شنيده‌ام كه شما ساختمان نيمه تمامي داريد و آن را مي‌فروشيد، من خريدار هستم، سهم آستانه از اين ساختمان 600 ميليون تومان شد.

به بانك مركزي مراجعه كرديم، با توصيه رئيس جمهور، 240كيلو طلا بـه نصف قيمت در اختيار آستانه گذاشتند، قيمتش را كه سؤال كرديم، ‌گفتند، 600 ميليون تومان مي‌شود؛ پول را داديم به خزانه و 240 كيلـو طلا را آورديم. همـه‌ي كـارهـا درست شد. حتي مهندس طلاكـاري آستان قـدس رضـوي كه گفته بود: من اين‌جا استخدام شـده‌ام، نمـي‌توانـم بيايم! چند روزي كه گذشت، زنگ زد كه من بازنشسته شدم و مي‌توانم بيايم؛ در ظرف يك ماه، آمدند مشغول كار شدند و كمتر از چهار سال كار تمام شد.

تاريخ وفات بي بي

بسياري از تاريخ نگاران نوشته‌اند كه حضرت معصومه(سلام الله عليها) در دهم ربيع الثاني سال 201 هجري وفات نموده است؛ در اين صورت با در نظر گرفتن دستگيري و زنداني شدن امام موسي بن جعفر(عليه‌السلام) به دستور هارون الرشيد، در سال 179 هجري، كه تا آخر عمر مبارك آن جناب به طول انجاميد از طرفي حضرت رضا(عليه‌السلام) در سال 200 هـجـري به دستور مأمون، از مدينه به خراسان آمد و سال بعد (201 هجري) خواهر گرامي‌اش براي ديدار برادر به ايران آمده و از ساوه، وارد قم شدو پس از 17 روز وفات يافت؛ به طور قطع سن آن بانوي عالي‌قدر، هنگام وفات، كمتر از 22 سال نبوده است.

منابع:

زندگي‌نامه حضرت معصومه(سلام الله عليها) / محمد محمدي اشتهاردي

حضرت معصومه(سلام الله عليها) چشمه جوشان كوثر/ محمد محمدي اشتهاردي

فروغي از كوثر/ الياس محمد بيگي

‌پرواز روح/ آيت الله سيد حسن ابطحي (مدظله العالي)

پرتوي از روي دوست/ اسماعيل كرمانشاهي

همگام با زائران عارف/ علي اشرف عبدي

كرامات معصوميه/ علي ا